



احمد حکیم الهی - تهران

## خصوصی سازی بانک ها در ایران مطالعه موردی: بانک صادرات ایران

عاقبت چهره نامعقول دکترین بنی صدر در القای عجولانه متن مصوبه شورای انقلاب مبنی بر ملی کردن بانک ها که با نیت ایجاد ابزاری در دست دولت نوبنیاد، در ایجاد یک جامعه بی طبقه توحیدی بود (که هرگز چنین نشد) سبب حس تنفر و روگردانی دست اندرکاران اقتصادی از این فکر بی محتوا و تصمیمی عجولانه تر برای زدودن تارهای عنکبوتی درهم پیچیده آن به دست و بال دولت اتخاذ شد که بانک صادرات ایران اولین قربانی نتایج منفی آن بود.

موضوع واگذاری سهم بانک ها و کاستن از وابستگی آن به دولت، به یکی دو ماه گذشته بر نمی گردد. حداقل پس از پایان جنگ تحمیلی برگشت سهام بانک ها به بخش خصوصی، به منظور اصلاح ساختار و قرار گرفتن سیستم بانکی و پولی در خدمت به تولید و ایجاد زمینه های توسعه اقتصادی مورد خواست نفل سوزان اقتصادی جامعه بوده است و هر از چندگاهی عقایدی در این زمینه در مطبوعات و رسانه های گروهی درج شده است و یاد ر جوامع تخصصی و دانشگاهی اظهار نظرهایی در موافقت و یا مخالفت با آن مطرح گردیده و متقابلاً بهانه تراشی ها و مقاومت هایی نیز سدا راه شکل گیری این تفکر قرار گرفته است.

ضرورت انجام خصوصی سازی بانک ها، به عنوان رکن مهم اقتصاد و جداسازی آن از دولت بر هیچ کس پوشیده نیست و اگر با این مساله کارشناسانه برخورد می شد و در صدر برنامه های خصوصی سازی قرار می گرفت، کار انتقال و واگذاری سهام در سایر بخش های اقتصادی را ساده تر و آسان تر می نمود و تسریعی در استمرار فعالیت این مراکز یا هدف ایجاد کار و تولید و رشد درآمد و برگشت نتیجه آن به جامعه به عمل می آمد و بار سنگینی را هم از دوش دولت برمی داشت. شرایط به وجود آمده در کشور و بروز شکاف عمیق در بدنه اقتصادی و از هم گسیختگی آن و نرخ بیکاری ۱۴/۵ درصدی، چشم انداز نیره و تاریکی را برای نسل جوان جویای کار به وجود آورد، جای تردیدی باقی نمی گذارد که بازنگری در وضعیت اقتصادی و ساختار نظام مالی کشور ضروری است، که قطع این نغد منظر طانی دولت را ایجاد می نماید.

بررسی ها نشان می دهد که بیماری سیستم پولی کشور به ناسالمی وضعیت مدیریت و ناکافی از مسؤلیت ها و جایگزین کردن روابط بنده و ضوابط در بدنه بانکداری کشور مآلاً به نولت برمی گردد که مدیران و

دست اندرکاران این بخش را مسئول جمع آوری پس اندازهای کوچک مولد، که می توانست ابزار پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه باشد، نموده است چنانکه این پس انداز ها به صندوقی برای استفاده دولت تبدیل شده، حاصل این شیوه تفکر نادرست گستردگی سیستم حکومت سالاری، بالا بردن هزینه های دولت و اسراف در هزینه ها و تبدیل فرهنگ بانکداری به تفکر دکه داری، بازرگانی و سودجویی و تداخل در فعالیت های بخش خصوصی است که در حقیقت این صندوق پوششی بوده بر کسر بودجه های تدوینی خیالی که هیچ گاه وصول منابع پیش بینی شده در آن نتوانسته است بدون دست اندازی به این صندوق و استقراض دولتی یا مصارف آن برابری داشته باشد. این شیوه سرانجام به هم ریختگی و سست بنیادی اقتصاد کشور و کاهش مستمر ارزش پول ملی و تبعات آن راه دنبال داشت.

البته چهره شکست خورده بانک های دولتی از سه سال پیش خود را نشان داد و حاصل آن صدور اجازه تاسیس چهار بانک خصوصی بود که قبل از آن جای خالی بانک های خصوصی در جامعه با ایجاد صندوق های قرض الحسنه خلق الساعه ای پر می شد که هیچ روش یکنواختی را دنبال نکرده و تابع هیچ قانونی نبودند، چه هر کدام با روش خاص و بر پایه قانون زاینده تفکر جمع چند نفری موسسین آن، به کار شبه بانکداری پرداختند و بزرگ ترین بی نظمی را در سیستم پولی کشور به وجود آوردند که جبران این نابسامانی و طرح و اجرای سیستم نظارت بر فعالیت آنها فرصتی زیاد و مدیونیتی کارا، می طلبد.

در این میان، مخالفت با خصوصی کردن بانک ها منجر به تاسیس موسسات مالی و اعتباری با مجوز و یا بدون مجوز گردید که عملاً بانک مرکزی به عنوان حافظ ارزش پول، نتوانست نظارت کاملی بر آنها اعمال نماید و بدین خاطر اعتماد و تضمین بر آنها هم چنان در پرده ابهام قرار گرفت، در همین حال موسسات مالی و چهار بانک خصوصی این ضعف عمده را پوشش ندادند، خصوصی کردن بانک ها، از یک افت و خیز در یک فرصت زمان قابل قبول به منظور تحول درونی می تواند به یک سیستم هدایت کننده پول در جامعه تبدیل گردد و با بهره گیری از یک مدیریت کارآمد علمی و قوی و با هدف حفظ منافع دو طرفه سرمایه های مالی جامعه و سهام دارانش را در چهار چوب مقررات و قوانین کشور، در خدمت به اقتصاد قرار دهد، مشروط بر آنکه در اجرای خصوصی سازی بانک ها، حفظ حقوق حقه مالکان پول به

عنوان جزء اولیه آن در نظر گرفته شود.

بانک صادرات ایران از آغاز تاسیس در سال ۱۳۳۱، با سهیم کردن کارکنان خود و ایجاد انگیزه تلاش و فعالیت در تحقق اهداف آن، راه توسعه خود را اندک زمان پیمود و از نظر برخی کارشناسان به عنوان بزرگترین بانک با شبکه ای وسیع، یعنی با داشتن ۳۰۰ شعبه در همه نقاط کشور و ۵۰ شعبه در خارج از کشور، پایه گذار و پیشتاز سیستم بانکداری نوین در ایران به حساب می آید.

معادل ۷۸ درصد از مبلغ هیجده میلیارد ریال سرمایه بانک تا زمان ملی شدن بانک هادر سال ۱۳۵۸، به ۲۰۸۵۰ نفر کارکنان و خانواده های شان تعلق داشت که معادل ۹۰/۷۷ درصد از این افراد مالک از یک تا یکصد سهم بانک بوده اند که در نوع و موقعیت زمان خود به عنوان یک بانک موفق با شیوه مدیریتی نظیر شبه تعاونی مطرح بوده است.

این یک واقعیت است که گردآوری این سرمایه و اختصاص آن به این جمع متفق، حاصل کسر از حقوق ماهانه، بازپرداخت اقساط وام های دریافتی به منظور خرید سهم پوششی از همه مزایا و اضافه کاری ها و در بسیاری موارد، تبدیل مایملک زندگی خود و خانواده تعدادی از این افراد به سهام بانک بوده که با قبول سختی و چشم داشتن به آینده در نهایت پاکي و امانت داری با تحمل همه مشکلات زمان و در کنار غول های اقتصادی وابسته به نظام گذشته با

هدف و شعار بانک صادرات ایران در خدمت مردم پایه گذاری شده بود.

خصوصی سازی به طور کلی در بانک ها و بالاخص در این بانک به این معنی نیست که دولت در زمانی و بر اساس قانونی غیرکارشناسانه و بدون توجیه و محاسبه دارایی های آن، حقی را از جمعی که سازنده و پایه گذار آن بوده اند و به بهانه تبدیل خصوصی به دولتی، سلب کند و پس از ۲۳ سال خود را ملزم به پاسخ گویی به این مشترکین که نه فراری از کشور بوده اند و نه سرمایه دار وابسته به رژیم سابق، نداند و قبل از اعاده حق این سهام داران، همان موسسه اقتصادی را در قبال مانده بدهی دولت به خویشاوندان افراد قدرتمند که با دولت فرق چندانی ندارند و یا نهاد های دولتی و اگذار نماید و نام آن را خصوصی بزند.

این گونه تصمیم های نامناسب، نه در بستر خصوصی سازی است، نه به معنای بریدن بند اتصال از دولت و نه اصلاح فرهنگ بانکداری و ساختار مدیریتی آن که به همین دلیل قطعاً با شکست مواجه خواهد شد.

بر این اساس و اگذاری ۲۰ درصد سهام بانک صادرات ایران به صندوق بازنشستگی و ۲۰ درصد به سازمان تامین اجتماعی که هر دو غیر مستقیم به دولت وابسته هستند، فریه تر کردن این سازمان های فریه دولتی است. خصوصی سازی به این شکل، با مفهوم مشارکت مردم در اداره بانک ها و کم کردن بار سنگین دولت و نیز اصلاح ساختار مدیریتی بانک و تغییر فرهنگ بانکداری و علاقمند کردن کارکنان بانک و مردم به عملیات بانکی مفاخرات دارد، و از این روراهکارهای دیگری رامی طلبد.

کارمندان و سهام داران اولیه این بانک جمعی تا به حال روی در نقاب خاک کشیده اند و کار انتظار و حسرت دست یابی به حقوق از دست رفته خود را به بازماندگان آینده باخته و محروم و خانواده خود و گذاشتند و جمعی که پایان روزهای خود را در عسرت بازنشستگی و با غم از دست رفتن همه ساخته های فکری و بر باد رفتن آرزوهایشان سپری می کنند، باز هم در انتظار و امید روزگار می گذرانند.

دست اندرکاران ملی کردن بانک ها علی رغم تاکید مصوبه شورای انقلاب بر محاسبه دارایی ها و ذخایر و پرداخت و جوه سهام سهام داران جز اقرار مدیران بانک در طول زمان به مصادره و فروش و اگذاری اموال بدهکاران فراری، کلیه مطالبات گذشته تا معادل چهار برابر سرمایه وصول محسوب گردیده است، هیچ گاه به درخواست های مکرر سهام داران جز مبنی بر تادیبه حقوق شان توجه نداشتند و به اعتراضات حق جویانه و عدالت خواهانه آنها ترتیب اثری نداده اند.

عدالت اسلامی حکم می کند حال که در بحث خصوصی سازی، بانک صادرات ایران پرچم دار این نهضت شده، عدالت واقعی اجرا گردد و با بررسی و قیمت گذاری واقعی، حق صاحبان آن یا اگذاری سهام بانک در نظر گرفته شود.

هم چنین مناسب است به منظور الگوسازی و بر مبنای خصوصی سازی، سهام این بانک به بخشی از کارکنان و اگذار و بقیه از طریق بررسی اوراق بهادار به مردم و علاقمندان و اگذار گردد.

